

جوانان حکمتیست ۸۶

سر دبیر: فواد عبدالمولی foadsjk@gmail.com سه شنبه ها منتشر می شود! ۲۳ APRIL ۰۶ - اردیبهشت ۱۳۸۵

اول مه روز قدرت نمایی طبقه کارگر

خود را هر چه بیشتر با طبقه کارگر یکی کنند. اعتصابات گسترده فرانسه این را به وضوح نشان داد که اتحاد بین دانشجو و کارگر میتواند چه نیروی عظیمی را به حرکت در آورد.

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی برابری حکومت کارگری
سازمان جوانان کمونیست-حکمتیست
سوم اردیبهشت ماه ۱۳۸۵



جوانان حکمتیست:
هفته گذشته پلنوم
چهارم حزب حکمتیست
برگزار شد. اگر ممکن
است برای خوانندگان
نشریه توضیح دهید
که در اوضاع خطیری

که نه تنها جامعه ایران، بلکه به نوعی کل دنیا از آن تاثیر پذیرفته و با آن دست و پنجه نرم می کند؛ پلنوم حاوی چه پیامی بود و چه خط و چشم اندازی را برای کلیت حزب در دور آتی فعالیتهايش ترسیم نمود؟

جمال کمانگر: پلنوم حزب حکمتیست در اوضاع واحوالی برگزار شد که دنیا دست خوش تغییرات جدی است و دامنه این تغییرات فقط مختص به ایران نیست بلکه کل منطقه و حتی جهان را در بر میگیرد. در چنین شرایط طبعاً پلنوم یک حزب کمونیستی و رادیکال مثل حزب حکمتیست نمی تواند فقط به مسائل تشکیلاتی و فنی خودش بپردازد. اگر دقت کنید مباحثی که پلنوم در طی این سه روز در دستور خودش گذاشت تصویر روشنی از یک حزب جدی کمونیستی است که وقتی در مورد خودش هم حرف میزند جامعه نقطه رجوعش است. فائق آمدن بر مشکلاتی که فضای جنگی و جنگ احتمالی بر سر مبارزه مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی ممکن است بوجود بیاورد را در دستور خود گذاشت. به تفصیل در مورد آنها صحبت کرد و سیاستهای لازم در این مورد اتخاذ شد. ← ۳

جز زنجیرهایشان را از دست نخواهند داد. در ایران زیر حاکمیت اسلام و سرمایه، کارگران به مراتب وضعشان بدتر است. خواست های ابتدایی آنها مانند حق تشکل و اعتصاب همواره با سرکوب و زندان روبرو بوده است. امسال طبقه کارگر در ایران همگام با سراسر جهان باید علیه افسار گسیختگی سرمایه و قلدری آمریکا و متحدینش به میدان بیاید. نباید طبقه کارگر به آتش بیار معرکه ای که یک طرف آن جمهوری اسلامی و طرف دیگرش آمریکا و متحدینش هستند تبدیل شود. باید صف مستقل خود را همراه با خواسته های خود تشکیل دهند. نباید اجازه داد به نام "میهن"، قوم و مذهب صفوف طبقاتی را پراکنده کنند. باید جمهوری اسلامی را در عرصه تعرض به معیشت و آزادیهای سیاسی به بهانه حمله احتمالی آمریکا پس زد و در همان حال علیه قلدرمنشی آمریکا و متحدینش ایستاد.

سال گذشته کارگران شرکت واحد در صف اول مبارزه برای حق آزادی اعتصاب و تشکل، یک ماه در کشمکش با دولت سرمایه بودند. هنوز منصور اسانلو در زندان است. خواسته های کارگران در اول مه میتواند حول آزادی فوری و بدون قید و شرط اسانلو و حق تشکل و آزادی بیان، بزرگترین اتحاد کارگری را به سر انجام برساند. دانشجویان مبارز در سالهای گذشته گامهایی در جهت دفاع و حمایت از کارگران برداشته اند. امسال باید صفوف

امسال در حالی به استقبال اول ماه مه میرویم که بورژوازی بار دیگر برای حفظ سیادت خود بر مقدرات مردم جهان در کمین یک جنگ به مراتب وحشتناکتر از دوره های قبل نشسته است. فقر و فلاکت همچنان در ابعاد میلیونی جهان را در کام خود فرو برده است. روزانه هزاران نفر به دلیل نبود ابتدایی ترین امکانات مادی جان خود را از دست میدهند. در اواسط دهه اول قرن بیست و یکم دون شائن انسان است که در چنین وضعیتی زندگی کند. جار و جنجال سرمایه داری جهانی در هر دوره چیزی جز سیطره فکری و ایدئولوژیکی خود و تلاش برای تثبیت هر چه بیشتر موقعیت خود نبوده است. امسال طبقه کارگر در آستانه اول مه با سناریویی دهشتناک روبرو است. تلاش آمریکا و متحدینش در شعله ور کردن یک جنگ ویرانگر، طبقه کارگر را در موقعیتی به مراتب دشوارتر قرار خواهد داد. این طبقه اگر به میدان نیاید و کثافت سرمایه را جارو نکند، جهان برای سالها در ناامنی به سر خواهد برد. اول مه باید روز قدرت نمایی صف طبقاتی مان باشد. اول مه روزی است که به سرمایه داری نشان میدهیم که شیشه عمر این نظام ضد انسانی در دست ماست. اگر متحد و متشکل با پرچم کمونیستی مارکس به میدان بیاییم و چرخ تولید را بخوابانیم نه از ارتش و نه از دستگاه سرکوبش کاری ساخته نیست. کارگران در این جدال سرنوشت ساز چیزی



ستون اول

پیروزی تحصن در گرو چیست؟

فواد عبدالمولی

اعتراض و تحصن دانشجویان دانشگاه رجایی به راهپیمایی بطرف مجلس کشیده شده است. اعتراض به عقب ماندگی نحوه پیشبرد کارها، اعتراض به دروغگویی و نوعی از بوروکراسی از طرف مدیران و به اصطلاح وزیران! اعتراض علیه بی حرمتی به آموزش، به برسمیت نشناختن خواسته های انسانی، اعتراض به بی امکاناتی، اعتراض حتی به جای خواب و به سرویس غذا و اباب و ذهاب. و اینها تنها گوشه ناچیزی از آن صدها و هزاران مطالبه بقی است که در طول بیش از ۲۶ سال حاکمیت رژیم اسلامی یا لگدمال شده و یا جواب سر بالا گرفته است. دانشگاه همیشه محمل عروج نوعی از رادیکالیسم بوده است. محمل مبارزه ای گاه پنهان و گاه آشکار بوده. جای اعلام خواسته هایی بوده که در جامعه سرکوب شده است. این خواسته ها هرچه باشند اما مهر جنبش های متفاوت و در عین حال زنده جامعه را بر خود دارند. اعتراضات اخیر دانشگاه رجایی را باید رهبران چپ مبارزات دانشجویی بعهده گیرند. کسانی که می توانند سازمانده و نقشه مند عمل کنند. ایجاد ارتباط با سایر دانشگاهها، فراخوان به اهمیت پیوستن به تحصن و فراتر رفتن از چهارچوب دانشگاه. دوران پا جلو گذاشتن رهبران چپ در دانشگاه است. نوعی از اتحاد و پشتیبانی اجتماعی لازم است. ←

مانتوها قد

نخواهد کشید!

علی راستین ص ۲

درگاه استادیوم فوتبال

بروی زنان باز شد!

عباس رضائی ص ۲

دست حیوان صفتان

جمهوری اسلامی از

سفره کارگران کوتاه!

بهنام سیگارودی ص ۴

زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

مانتوها قد نخواهد کشید!

علی راستین



شود، و در ازایش باید "راهکار فرهنگی" ارائه داد؛ به وضوح تمام اعتراف می کند که می خواهد با نیروی قهریه سرکوبگرش با فرهنگی مبارزه کند که هیچ خوانایی با معیارهای اسلامی حاکمیت ندارد. و راهکار فرهنگی شان همان فرهنگ عقب مانده اسلامی است که زن را نه به مثابه یک انسان برابر با مرد، بلکه تا سر حد یک سوزه جنسی که باید خود را ببوشاند، تنزل داده است.

جمهوری اسلامی به کمک نیروی انتظامی از اول اردیبهشت طرح مبارزه با چیزی که نامش را "بد حجابی" نهاده است، آغاز کرده است. کلیت این طرح مثل طرح های سال های گذشته محدود کردن زنان در پوشش و بازستاندن "کم حجابی" های کم و بیش محدودی است که زنان در چند سال گذشته توانسته اند آن را هم به جمهوری اسلامی و هم به عنوان هنجار اجتماعی به سنت های عقب مانده موجود در جامعه تحمیل کنند. فکر نمی کنم که احدی پیدا شود که بتواند تصور کند که چنین طرح هایی موثر خواهد بود و این تصور را داشته باشد که بتواند زنان و دختران در ایران را در این مورد به عقب بزند. جمهوری اسلامی در چند سال اخیر با آمدن فصل گرما هر بار چنین طرح هایی را اجرا کرده است که با نگاهی ساده هم می توان دریافت که شکست خورده است.

خطرناک تری از آنچه در عراق و افغانستان روی داد، قرار داده است. جمهوری اسلامی هم با هر درجه افزایش فشار از سوی دولتهای غربی، فشار را بر جنبش سرنگونی بیشتر می کند. راه خلاصی مردم از چنین وضعیت خطرناکی، متشکل شدن، اتحاد و قدرتمند کردن خود مردم است. یکسره کردن کار جمهوری اسلامی با قیام مردمی و کوتاه کردن دست جنگ افروزان از زندگی و حیات خود تنها می تواند اوضاع را به نفع بشریت تغییر دهد. وگرنه مساله "بد حجابی" تنها نمونه کوچکی از ضرب شستی است که دولت در برنامه خود دارد. باز هم تکرار می کنیم که این طرح خاص بعید است موفق عمل شود، اما باید این طرح را در مجموعه سیاستی دید که جمهوری اسلامی برای به عقب راندن کلیت جامعه دارد.

استراتژیک دارد. جمهوری اسلامی در حال حاضر در موقعیت خاصی قرار دارد که ایجاد چنین مانورها و قدرت نمایی ها لازمه کارش است. اساسا مانور برای نشان دادن قدرت در برابر دشمن است. این مانور شاید در آبهای خلیج اجرا شود و شکل نظامی بگیرد. و شاید هم ممکن است در میدان ونک، ولیعصر و انقلاب باشد و بقول خودشان شکل "تذکر لسانی" داشته باشد. مساله ای که مسجل است، جمهوری اسلامی تحت فشار امریکا و غرب بخاطر مساله اتمی از یک سو، و از سوی دیگر تحت فشار جامعه ای است که از فقر، فلاکت و سرکوب به ستوه آمده اند، در تنگنا قرار گرفته است. و سیاست جمهوری اسلامی استفاده از بهانه اولی برای سرکوب دومی است. رژیم به سادگی دارد فشاری را که از سوی غرب به او وارد آمده است را به مردمی که این وضعیت را نمی خواهند تسری می دهد. همانطور که حزب حکمتیست در سیاست های خود نشان داده است، رژیم از مناقشه اتمی و فشاری که جامعه بین المللی بر او وارد ساخته است، به نحو احسن برای سرکوب جنبش های اجتماعی، سرکوب فعالین سیاسی و محدود کردن آزادی های نسبی ای است که مردم در طی چند سال گذشته کسب کرده اند. علت بروز چنین "طرح های فرهنگی" ای را باید در متن چنین اوضاعی فهمید. رژیم با سادگی می خواهد قدرتش را به رخ مردم معترض بکشد. یک روز با سرکوب اعتصابات کارگری و دستگیری فعالین کارگری؛ و روز دیگر با تنگ کردن عرصه بر زنان و جوانان!

و از سوی دیگر خود جمهوری اسلامی هم که دریافته است که از اعمال چنین محدودیتی در سطح گسترده و بطور متداوم عاجز است، خود "مجازات" بدحجابی را تخفیف داده است. جمهوری اسلامی در ابتدای روی کار آمدنش با کسانی که تن به حجاب یا معیار های اسلامی نمی دانند، با خشونت تمام رفتار می کرد. نظامی که اوپاشش به صورت زنان اسید می پاشیدند و تیغ موکت بری می کشیدند. امروز در برابر زنانی که بارها و بارها از زنان ابتدای انقلاب "بدحجاب ترند" تنها به جریمه مالی بسنده کرده است. حتی رژه نمایی اوپاش بسیجی حزب الهی در هفته گذشته در برابر مجلس شورای اسلامی و طومار جمع کردن در نماز جمعه تهران نمی تواند غلظت این طرح را بالا ببرد. استراتژیست های حکومتی به نیکی می دانند که فرهنگ واقعی پوشش جوانان (در اینجا دختران) در جامعه ایران در تضاد و تقابل کامل با آن فرهنگ رسمی شرقی-اسلامی است که سعی در حلقه کردن آن به نسل جوانی دارند که در قرن بیست و یکم زندگی می کند. جمهوری اسلامی در رسانه های "غیر رسمی تر" و "خصوصی ترش" برای جلب مخاطب و ایجاد ارتباط با نسل جوان، فاتحه این تصویر رسمی اسلامی خود را خوانده است و شاید به اکراه مجبور شده که پا به عرصه فرهنگ واقعی بگذارد. برای مثال نگاهی به سر و شکل و وضعیت حجاب در تلویزیون "مهاجر" که متعلق به رژیم است بیاندازید. اگر واقعا برنامه جمهوری اسلامی مبارزه با "بدحجابی" بود و یا اصولا می توانست این مساله را مهار کند، تلویزیون خودش شکل دیگری داشت.

مبارزه زنان برای گرفتن حق آزادی پوشش در جامعه ایران، تحمیل خواسته های خود، در جامعه یک پدیده دو سویه است. یعنی حاکمیت تنها یک وجه تحمیلگر این موضوع است و وجه دیگر آن خود فرهنگ عقب مانده اسلامی و شرق زده ای است که بر مبنای ناموس پرستی مردسالارانه اش سعی به عقب راندن زنان داشته است. در چهار-پنج سال گذشته، شکل نوین پوشش دخترانه در ایران (بخوانید "بدحجابی") به شدت همه گیر شده است. در سال های اخیر حتی در شهر های کوچک، محلات مذهبی و سنتی شهرها و روستاها، رفته رفته چادر جای خود را به مانتو، و مانتوها هم به مرور زمان کوتاه شده اند. این شکل نوین از پوشش امروزه دیگر به یک فرهنگ مفروض در آمده است که متحجرانی که قصد تغییر آن را دارند، به خوبی می دانند این کار در عمل شدنی نیست. سردار طلایی، که ریاست ناجا را به عهده دارد، در مصاحبه تلویزیونی روز دوشنبه خود به نکته جالبی اشاره می کند که گویای حال و روز این طرح است. او با اشاره به اینکه مساله "بدحجابی" مساله ای نیست که با اعمال زور و محدودیت حل

→ این شتر فردا در خانه دانشگاه امیر کبیر، علامه و تهران خواهد خوابید. شکست تحصن رجایی بار دیگر یک عقب نشینی تحمیل شده به سایر دانشگاه ها خواهد بود. اینکه عاقبت این تحصن به کجا ختم خواهد شد تماما دست فعالین و رهبران چپ در دانشگاه را می بوسد. اوضاع بشدت خطیر است. از یک طرف خطر حمله نظامی امریکا زندگی و جان مردم را تهدید جدی کرده است و از طرف دیگر دست درازی هر روزه رژیم اسلامی به حقوق ابتدایی شهروندان جامعه اعم از زن و کارگر و دانشجو ابعاد وسیعی به خود گرفته است. جامعه را باید به اهمیت سناریوی جنگ آگاه کرد و حول آن مردم را در اعتراضات دانشجویان، کارگران و زنان متشکل کرد. دیگر هر اعتراض و تحصنی بدون سازماندهی و دخالتگری توسط رهبران کمونیست و بدون پشتیبانی عملی احاد دیگر جامعه بی جواب می ماند. نیرو زمانی بسیج می شود که حول مطالبه ضروری اجتماعی متمرکز شود.

نه قومی، نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!

درگاه استادیوم فوتبال بروی زنان باز شد!



عباس رضایی

اکنون خواست بعدی ما برای عقب راندن جمهوری اسلامی، باید حمله به خود حجاب باشد. استادیوم ها، جشن های بهاری، مراسم ماه می (روز جهانی کارگر) و به هر بهانه دیگر باید حجاب ها را از سر برداشت. حجاب سنبل توهین به زن و حمله به حقوق اولیه زنان است.

به نظر من یک مبارزه مستمر در این دوران و علم کردن خواست آزادی پوشش برگ برنده ما خواهد بود. باید ابتکارات تازه به خرج داد و همان امری که جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی در استادیوم ها کرد را مبنای پیروزی های آتی تا پیروزی نهایی قرار دهیم.

قدرت اعتراضی ما در خیابان و متشکل شدن حول اهداف مشخص و برای رسیدن به خواسته های مشخص و مطلع کردن افکار عمومی در دنیا اکنون به یک ضرورت برای ما تبدیل شده است.

افکار عمومی در دنیا متحدین ما در این مبارزه خواهند بود. یقیناً اگر اعتراضات زنان برای ورود به استادیوم های فوتبال علنی نمی شد، اگر همه از آن حرف نمی زدند، اگر این باعث فشار از بیرون به جمهوری اسلامی نمی شد، شانس ما برای پیروزی بسیار کمتر بود.

مبارزه ما برای رسیدن به پیروزی نهایی قدم به قدم تا درهم شکستن کل نظام موجود ادامه پیدا خواهد کرد.



دوم اینکه شکاف در درون حکومت و امکان مانور جناح مقابل در عکس العمل نشان دادن به این اعتراضات، و مسابقه مردم داری در میان جناح های درونی را اگر با نزدیک بودن جام جهانی بهم ربط دهیم، به این نتیجه می رسیم که دولت فعلی چاره ای جز عقب نشینی در مقابل این اعتراضات را نداشت. این نوع عقب نشینی در مقابل خواسته های واقعی مردم در کوتاه مدت ادامه خواهد داشت. البته نباید فراموش کنیم که با بالا گرفتن بحران هسته ای و احتمال روز افزون جنگ، جمهوری اسلامی شمشیر را در روزهای پایانی از رو ببرد و به سرکوب مخالفان بپردازد. این بسته به نوع پیشرفت بحران هسته ای و نوع برخورد دول غرب به این ماجرا دارد. این فقط شروع کار ما است. جمهوری اسلامی باید سرنگون شود این نزدیکترین، بهترین و تنها راه ممکن برای رسیدن به قانونی است که بشود حقوق زن، کارگر، جوان و همه اقشار جامعه را تضمین کرد. اما این نباید باعث شود که وقفه ای در مبارزات روز مره ما برای پیشروی قدم به قدم ایجاد کند.

جمهوری اسلامی در مقابل جبهه اصلی نبرد!

جمهوری اسلامی زاده یک بحران است و تا کنون با بحران های متنوع سر کار مانده است. این حکومت برای سر کار ماندن احتیاج به بحران دارد. و اکنون بحران هسته ای ایران به اندازه کافی خطرناک هست که جمهوری اسلامی را وادار کند در داخل بحران سازی نکند و در مقابل خواسته های قشر های مختلف کوتاه بیاید. نمونه بارز آن در چند هفته اخیر، عقب نشینی در دانشگاه رجای از جانب سران این دانشگاه، در مقابل اعتراضات دانشجویی، و این عقب نشینی فعلی در اجازه حضور زنان در استادیوم های فوتبال را می شود نام برد.

هر جا اعتراضات اوج می گیرد جمهوری اسلامی زیر فشار اعتراضات مجبور به عقب نشینی می شود. چرا که سرکوب و کشتار علنی در ایران امروز می تواند دست امریکا برای بهانه گیری و بسیج کردن افکار عمومی غرب را باز تر کند.

بالاخره بعد از مدتها اعتراض و مبارزه برای ابتدای ترین حقوق زنان، یعنی حضور در استادیوم های فوتبال، امروز با عقب نشینی جمهوری اسلامی این اعتراضات به نتیجه رسید. زنان از این بیعت می توانند مسابقات فوتبال را از نزدیک نگاه کنند.

این پیروزی مدیون مبارزه ای است که مدتها در جریان است. اما اوج این مبارزات در چند مسابقه آخر تیم ملی و اعتراضات پیاپی زنان در جلوی درب های ورودی استادیوم و انتشار علنی و بازتاب این اعتراضات در دنیایی خارج از ایران، جمهوری اسلامی را ناچار به این عقب نشینی تحمیلی کرد.

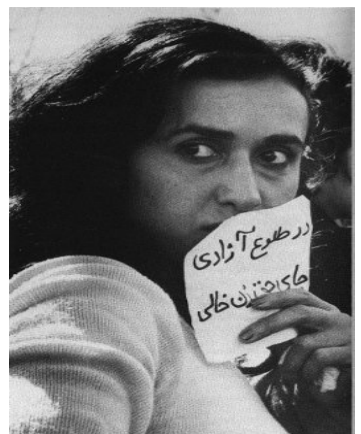
اما از شواهد پیدا است که این عقب نشینی قرار است اسلامی باشد. قرار است مهر اسلامی بودن حقوق زن را به خود بگیرد. و قرار است مرغوب ترین جا به زنان داده شود. چون این حکومت هنوز زنان را آسیب پذیر تر می بیند و باید آنها را در حجاب پیچید و در گوشه ای امن قرار داد. این توهین عریان در اولین حضور زنان در استادیوم های فوتبال باید با برداشتن حجاب و درهم ریختن جایگاه زنان و مردان پاسخ بگیرد.

اما طرح مبارزه با بد حجاب که تازه گی ها اجرا می شود و رابطه آن با این عقب نشینی می تواند رابطه توازن قوا را در ایران مشخص کند!

در یک برنامه اعلام شده، طرح مبارزه با بد حجابی به اجرا در می آید! تا ترس و وحشتی را در جامعه حکم فرما کند و ضد حمله ای باشد به اعتراض زنان و جوانان در دور کنونی. این بنظر من یک دید عمیق به این مسئله نیست. چرا که این فقط مانوری برای عقب نشینی دولت در این شرایط حساس در مقابل خواست زنان بود. زیرا به چند دلیل ساده اعتراضات زنان در جلو درب ورودی استادیوم های فوتبال می توانست عواقب جبران ناپذیری برای جمهوری اسلامی داشته باشد.

نخست اینکه جامعه جهانی اکنون به دنبال بهانه گیری از جمهوری اسلامی است و اکنون مسئله حقوق بشر در ایران زیر زربین است. و هر اعتراض و سرکوب آن می تواند افکار ملایم تر در غرب را بر علیه ایران و در راستای آن در کنار سیاستهای غرب در قبال ایران بسیج کند.

۱ → پلنوم چهارم حزب را باید با این عناوین باز شناخت.
ارزیابی از موقعیت حزب حکمتیست در این شرایط تغییر در آرایش رهبریش را بر اساس مقتضیات این دوره باید دید. در مورد سیاست ما در داخل کشور در صورت وقوع جنگ، در خارج کشور و کلان چگونه میتوان در صورت جنگ از جنبش سوسیالیستی و سرنگونی جمهوری اسلامی دفاع کرد. به حلقه های خیلی فنی و ظریف پراتیکی توجه ویژه ای مبذول داشت. رهبران حزب حکمتیست در این سه روز پلنوم با حرارت در مورد جنبه های گوناگون سیاستهای حزب صحبت کردن و مبنای سیاست حزب در قبال قلدر منشی آمریکا را که در سلسله مقالات رفیق کورش مدرسی بنام "بحران هسته ای یا بحران به بهانه هسته ای" را با اتفاق آرا مورد تصویب قرار دادند. (خوانندگان میتوانند آن را از سایتهای حزبی دریافت کنند.) در مورد جنبش کارگری و سیاست ما، در مورد کردستان به عنوان یکی از دروازه های قدرت گیری کمونیسم در ایران و نقشی که حزب ما میتواند ایفا کند به تفصیل صحبت شد. اگر خلاصه کنم این پلنوم، حزب را برای رویارویی سرنوشت ساز مردم در مقابل جمهوری اسلامی و جریانات پرو آمریکایی و انواع ناسیونالیستهای رنگارنگ آماده کرد. پیام این پلنوم در سیاستهای اتخاذ شده به مردم آشکار است که دوران خطیری را سپری میکنیم برای اینکه جنبش سرنگونی طلبانه مردم و خواسته های انسانی و برابری طلبانه زیر دست و پای جنگ افروزی آمریکا له نشود باید حول این سیاست ها متشکل شد و صف مستقل و دفاع از انسانیت را سازمان داد.



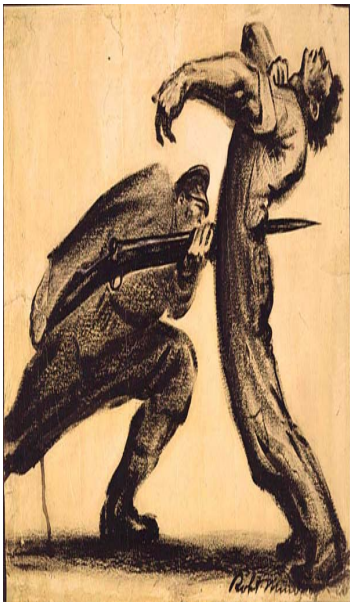
بچه های محل متشکل شوید، با ما تماس بگیرید و به گارد آزادی بپیوندید!

دست حیوان صفتان جمهوری اسلامی از سفره کارگران کوتاه!

چند خطی به مناسبت اول مه، روز جهانی کارگر

وسیعاً از آن صحبت شود، قرار داد های موقت است که مدتهاست همچنان برقرار است. در باره این مسئله نیز صحبت‌های بسیاری شده و ماهیت آن کاملاً روشن است، اما با کمترین توجه همچنان رایج است.

در پایان صحبت باید بگویم که معضلات کارگران بسیار فزاینده است، اما مواردی وجود دارد که جزء اصلی آن هستند و شاید ریشه بسیاری از دیگر مشکلات، اما در هر حال مسئله طبقه کارگر و جامعه طبقاتی تنها با کسب قدرت سیاسی توسط کارگران و حزبشان درمان خواهد شد و خواسته های صنفی صرفاً مسیری است که طبقه کارگر را به سوی کسب آگاهی و شناخت اهرمهای کسب قدرت سوق می دهد.



اتحاد و یکپارچگی کارگران است. شکل گیری سندیکای شرکت واحد نقطه شروعی بود که می توانست جوابگوی پتانسیل مبارزاتی کارگری باشد، اما پایدار نماند و این عدم پایداری از ضعف تشکیلاتی تمامی طبقه کارگر در ایران و در قدم دوم از نبود آگاهی نشات می گیرد. سندیکای شرکت واحد می بایست با همت تمامی کارگران آگاه در صنایع مختلف به رسمیت شناخته می شد زیرا به رسمیت شناخته شدن سندیکای می توانست تشکل های آزاد را برای طبقه کارگر به همراه بیاورد اما ضرورت این امر درک نشد. عدم درک این ضرورت از عدم آگاهی و عدم آگاهی از حضور قدرتمند ناآگاهی، ایدئولوژی و مذهب و نبود یک نیروی خرد کننده این توهانات سرچشمه می گیرد.

اما گذشته از تمامی این مشکلات رهبران کارگری و کسانی که توان آن را دارند که با تعداد زیادی از کارگران در ارتباط باشند، باید روز کارگر را به صورتی مستقل و بدون دخالتگری دولت برگزار نمایند. علیرضا محبوب و خانه کارگرش نه تنها نماینده هیچ گروهی از کارگران نیست بلکه تماماً نوکر و جیره خوار این حکومت و سرمایه داران منقرش است. این موضوع از سیاست ها و حرفهایش کاملاً روشن است. نهاد ها و شوراهایی که دولت آنها را به رسمیت شناخته و زالو خانه ای به نام خانه کارگر از آنها حمایت می کند تماماً به دنبال منافع سرمایه و سرمایه دارند و تمامشان ضد منافع کارگر.

موضوع دیگری که باید در روز کارگر

این روز با توسل به قدرت و همبستگی شان خواست هایشان را مطالبه نمایند و توازن قوای خود را به صورت متحدانه چه در سطح کشوری یا جهانی در برابر سرمایه داری محک بزنند. اما در حکومت فاشیستی اسلامی ایران، تا زمانی که اقلیت انگل صفتی به نام سرمایه داران مرجع مذهبی با همان خدای پست فطرتشان حضور دارند، نمی توان انتظار یک متینگ سراسری یا آزادی تا این مرز را داشت.

در عین حال و در این اوضاع و احوال وظیفه فعالین کارگری چه در داخل و چه در خارج از کشور سنگین تر شده است. زرمه های حمله نظامی یا تحریم اقتصادی که هر یک به نوعی می خواهد وضعیت مردم را در داخل به خطر بیندازد، فعالیت بسیار گسترده تری را در جهت آگاه سازی طبقاتی کارگران و مزد بگیران می طلبد. چه گزینه نظامی و چه تحریم اقتصادی هر دو نه تنها حاکمیت آینده مردم ایران را به آنها تحمیل میکند و از اراده شان خارج می سازد، بلکه هر دو گزینه می تواند فجایعی را رقم بزند، اگر چه فجایع جنگ در سطح وسیعی غیر قابل درمان خواهد بود. در این میان می طلبد که کارگران نسبت به وضعیت خود و خانواده هایشان در درون این فعل و انفعالات آگاه شده و بتوانند صحیح ترین موضع را انتخاب نمایند. فعالین کارگری در روز کارگر می بایست این مسائل را به کارگران گوشزد کرده و از درک ضرورت این نکته غافل نمانند.

از سوی دیگر رشد مبارزات کارگری در ایران که در نطفه شکل گرفته است نیازمند

بهنام سیگارودی

بار دیگر روز جهانی کارگر نزدیک شده و جوانان کمونیست و برابری طلب را به مشارکت در برگزاری قدرتمند این روز می کشاند. اول ماه می، یعنی روزی که طبقه جهانی کارگران و زحمتکشان می توانند می بایست که ندای خود را به گوش تمامی انسانهای دنیا برسانند و این فریاد چیزی نیست جز رهایی از بند نظام سرمایه داری و لغو کار مزدی. در ایران و در سال گذشته پس از گشت سلسله ای از حوادث و اتفاقات کارگری و زندانی شدن تعداد زیادی از کارگران شاید به نوعی بتوان بیشتر به جنبش رهایی این طبقه اندیشید و البته شاید می بایست قدم های بعدی را استوار تر و دقیق تر برداشت. در این میان حکومت دین و سرمایه که تا امروز سیطره خود را در ایران حفظ نموده، هر روز بیشتر و بیشتر نمای ضد کارگری خود را آشکار می سازد و دست حیوان صفتان جمهوری اسلامی هر روز بیش از گذشته به سمت سفره بی چیز کارگران دراز می شود.

اما روز جهانی کارگر برای تمامی کارگران فعال و آگاه، نماد روزی است که در آن می بایست کارخانه ها به تعطیلی کشانده شده و کارگران در گردهمایی ها و همایش های آزاد خود شرکت نموده و خواستهها و مطالباتشان را بیان کنند. در این میان نه دولت و نه نهاد های وابسته آن حق هیچ گونه دخالتی را ندارند و نباید داشته باشند. کارگران خود می بایست در



تماس با ما

دبیر سازمان: جمال کامانگر
jamalkamangar@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۱۹

سر دبیر: فواد عبداللهی
foadsjk@gmail.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

معاون دبیر: نسیم رهنما
nasimrahnamadk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۵۲۲۸۲۴۵۴۲

پهرام مدرسی
bahramsjk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱
فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۲۲۳۶۱۳

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!